



The Approach of the Iranian and British Legal System towards Indirect Victims

Ghasem Bagheri¹, Mehrdad Rayejian Asli*², Seyed Mahdi Mansouri³

1. PhD Student, Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Visiting Assistant Professor, Emirates Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates. (Faculty Member Department of Law and Jurisprudence Humanities Research and Development Institute, Tehran, Iran). (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 189-201

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0693-1888

TELL: +989111540904

Email: m.rayejian@samt.ac.ir

Article history:

Received: 16 Jan 2024

Revised: 30 Mar 2024

Accepted: 13 May 2024

Published online: 21 Jun 2024

Keywords:

Direct Victim, Indirect Victim, Hidden Victim, Criminal Policy, Legal Protection.

ABSTRACT

Indirect victims are one of the important issues in Iran's criminal law that have remained neglected. The injuries of this category of victims have important negative social effects. England is one of the leading countries in this field. Based on this, it is necessary to examine the approach of the legal systems of Iran and England towards indirect victims. The purpose of this article is to examine the question of how the legal systems of Iran and England approach indirect victims. The current article is descriptive and analytical and has investigated the mentioned question by using the library method. The findings indicate that Compared to other countries, the British legal system has been able to pay attention to the protection of indirect victims in its related laws, but Iran has not yet been able to achieve a coherent approach in relation to protecting the rights of the victims. Iran's legal system has considered protections only for direct victims and scatteredly and in numerous laws. There are two basic forms in Iran. Firstly, the rights of the indirect victims have not been paid attention to and secondly, the protection provided for the direct victims is not consistent, as it can be seen by studying the domestic laws and regulations that even though the family members are indirectly direct victims of abnormal behavior become criminals, no support has been provided.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Bagheri, GH; Rayejian Asli, M & Mansouri, SM (2024). "The Approach of the Iranian and British Legal System towards Indirect Victims". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 189-201.

مقدمه

در مجموع از بین تقسیم‌بندی‌های متفاوتی که براساس معیارهای همانند میزان و نوع آسیب‌پذیری یا بزه‌دیدگان خاص، از قبیل بزه‌دیدگی زنان، اطفال، سالمندان و ... می‌شود. این پژوهش بیشتر به نوعی تقسیم‌بندی می‌پردازد که با عنوان و ماهیت پژوهش بیشتر مرتبط است. در این تقسیم‌بندی سعی گردیده که بزه‌دیدگان را به بزه‌دیدگان مستقیم یا نخستین و بزه‌دیدگان نامستقیم یا دومی تقسیم کنیم، البته این تقسیم‌بندی در قوانین داخلی ایران و همچنین قوانین بین‌المللی و اکثر کشورهای اروپایی با نظام‌های حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا دارای ریشه‌های بوده و به نوعی پذیرفته شده است. وقتی یک عمل مجرمانه‌ای تحقق می‌یابد، ممکن است اشخاص گوناگونی دچار ضرر یا آسیب شده و از وقوع جرم متأثر شوند، به طوری که بزه‌دیده مستقیم اولین کسی می‌باشد که به‌طور مستقیم موضوع جرم قرار گرفته و به عبارت بهتر جرم علیه او واقع شده است، ضمن این که مرتکب جرم به قصد ضرر و آسیب‌رساندن به آن شخص مرتکب این عمل مجرمانه شده است. به‌عنوان مثال در جرم قتل یا سرقت، شخصی که به قتل می‌رسد یا شخصی که اموال وی به سرقت می‌رود، به‌طور مستقیم از ارتکاب عمل مجرمانه دچار ضرر و خسارت شده است که بدون هیچ واسطه‌ای جرم علیه او واقع شده که می‌توان او را بزه‌دیدگان مستقیم یا قربانیان اولیه بزه نامید، لذا بزه‌دیده مستقیم، نخستین شخصی است که آماج مستقیم رفتار مجرمانه قرار می‌گیرد و قربانی بی‌واسطه بزه‌کار شناخته می‌شود.

بزه‌دیدگان غیرمستقیم به‌عنوان کسانی که به‌طور مستقیم جرم را تجربه نکرده‌اند، کمتر از بزه‌دیدگان مستقیم مورد توجه علم بزه‌دیده‌شناسی بوده و حتی پیشگامان بزه‌دیده‌شناسی هم بیشتر توجه به بزه‌دیدگان مستقیم داشته‌اند، البته در حال حاضر هم توجه به بزه‌دیدگان غیرمستقیم به آن صراحتی که لازمه به رسمیت‌شناختن این دسته از بزه‌دیدگان باشند، صورت نگرفته و به‌نوعی با پدیده بزه‌دیده پنهان روبه‌رو هستیم، زیرا که حمایت‌های تقنینی و قضایی به‌صورت مبهم می‌باشد، به طوری که در نظام حقوقی کشور ایران، قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و ۱۳۹۲ و لایحه آیین دادرسی

کیفری نوآوری‌هایی با الهام از یافته‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی نسبت به این دسته از بزه‌دیدگان داشته که جای بحث و بررسی در تحقیقات جداگانه دارد، ضمن این که سیاست جنایی کشور انگلستان هماهنگ با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای همانند کنوانسیون اروپایی و اعلامیه معروف سازمان ملل ۱۳۸۵ در سال ۱۹۹۰ میلادی اقدام به انتشار سند راهبردی به نام «منشور بزه‌دیده» نموده که با تفکیک بزه‌دیدگان مستقیم از بزه‌دیدگان غیرمستقیم حمایت‌هایی هم مانند دریافت خدمات تحت منشور و روش چگونگی دریافت این خدمات، حتی در صورت اختلاف فی‌مابین بزه‌دیدگان غیرمستقیم را ارائه نموده است که در هر صورت توجه به بزه‌دیدگان غیرمستقیم در دهه‌های اخیر می‌تواند هم ناشی از گسترش مفهومی تعریف بزه‌دیده باشد و هم توجه به این موضوع است که بزه‌دیدگان غیرمستقیم واقعیتی غیرقابل انکار می‌باشد، زیرا که با گسترش و پیشرفت جامعه و افزایش جرم‌انگاری‌ها در موضوعات متنوع موجبات گسترش اثرات ناشی از جرم به اشخاصی به جز شخص بزه‌دیده می‌گردد که نمونه بارز آن، بزه‌دیدگان غیرمستقیم ناشی از جرایم همانند قتل و یا جرایم مواد مخدر است. براساس آنچه گفته شد، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که رویکرد نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان در قبال بزه‌دیدگان غیرمستقیم چگونه است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از این که «به‌نظر می‌رسد که در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران به حمایت از بزه‌دیدگان غیرمستقیم پرداخته شده است.» به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رویکرد حمایتی به بزه‌دیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی ایران و انگلستان بررسی شده و در ادامه از چالش‌ها، خلأها و راهکارها در این خصوص بحث شده است.

۱- رویکرد حمایتی به بزه‌دیدگان غیرمستقیم در سیاست

جنایی ایران؛ چالش‌ها، خلأها و راهکارها

در این قسمت از مقاله به بررسی رویکرد حمایتی به بزه‌دیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی ایران؛ چالش‌ها، خلأها و راهکارها پرداخته می‌شود.

۱-۱- رویکرد حمایتی به بزهدیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی ایران

در نظام حقوقی ایران، بحث حمایت از حقوق بزهدیده سابقه چندانی ندارد و موضوعی است که اخیراً در قوانین مرتبط انعکاس یافته است، به طوری که «قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار، یکی از اهداف آیین دادرسی کیفری را رعایت حقوق بزهدیده عنوان کرده است» (شیری، ۱۳۹۷: ۱۷۰-۱۵۶). این قانون در مواد دوم و نهم، اشاره‌ای به بحث حمایت از حقوق بزهدیده داشته است. ماده دوم این قانون مقرر می‌دارد: «**دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند...**» تضمین حقوق طرفین که مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته، قرینه‌ای برای توجه نظام حقوقی ایران به بحث حمایت از حقوق بزهدیده است.

لذا در نظام حقوقی ایران، به مانند حقوق انگلیس، منشور یا قانون واحدی وجود ندارد که مستقیماً به بحث حمایت از حقوق بزهدیده مستقیم بپردازد تا چه برسد بزهدیدگان غیرمستقیم، البته در مقررات مختلفی، قوانین مختلف وجود دارد که هر کدام به نحوی حمایت از حقوق بزهدیده را در راستای اهداف خود به صورت پراکنده قرار داده‌اند. بنابراین در سیستم حقوقی ایران، صرفاً نشان‌های از رویکرد حمایتی به بزهدیدگان غیرمستقیم وجود دارد که بررسی این حمایت‌های احتمالی مقنن ایران نسبت به بزهدیدگان غیرمستقیم و بحث از همه گونه‌های بزهدیدگان، نیاز به پژوهش‌های جداگانه دارد.

۱-۲- چالش‌ها، خلأها و راهکارها

وقتی که متخصصان حرفه‌ای دستگاه عدالت کیفری که سال‌ها در مشاغل خود کسب تجربه کرده‌اند، در رسیدگی به یک دعوی مطروحه، عقاید و نظرات مختلف داشته و از حصول به یک رویه و نظر مشخص و واحد براساس معیارها مقررات قانونی مستأصل می‌مانند دیگر چه انتظاری است از بزهدیده اغلب ناآشنا به مفاهیم و اصطلاحات حقوقی می‌توان داشت تا از میان این همه قوانین و مقررات پراکنده اقدام به استخراج تک‌ماده‌ها و یا تبصره‌های مبین حقوقش نموده و اجرای آن را از مقامات نظام عدالت کیفری درجهت جبران

خسارت خود خواستار شود. در نظام عدالت کیفری اگر بزهدیده این قدرت و جرأت را داشته باشد که اعمال و اجرای حقوق مختصر را مطالبه نماید، نه تنها امکان دارد که با مقاومت دست‌اندرکاران عدالت کیفری مواجه شود، بلکه احتمال دارد بعضاً برخوردهای نسنجیده و حتی موهنی نیز با وی به عمل آید (طیب‌زاده و اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). به غیر از این نحوه برخورد، عکس‌العمل‌های اطرافیان و جامعه محلی نیز مشکل دیگری است که بزهدیدگان بایستی با آن کنار بیایند. معمولاً در کشور ما عرف و فرهنگ حاکم، برای اعضای خانواده و جامعه محلی این است که به جای کمک و مساعدت به بزهدیده، او را سرزنش نموده و آنچه را برای بزهدیده اتفاق افتاده، نتیجه اعمال خود می‌دانند، حتی در برخی موارد به خاطر ننگ و بدنامی ناشی از جرم، اقدام به طرد بزهدیده از خود می‌نمایند که این امر در جرایم خشونت بار بالاخص در جرایم تجاوز جنسی نمود بیشتری دارد. گذشته از این جامعه فعلی ایران تا رسیدن به یک جامعه مدنی که در آن افراد در تمامی صحنه‌ها مشارکت و حضور فعال دارند، فاصله زیادی دارد که این امر تشکیل نهادهای مدنی و مردمی درجهت حمایت از بزهدیدگان و خدمات رسانی به آنان را دچار مشکل می‌نماید و حتی اندک نهادهای مردمی، از قبیل انجمن حمایت از حقوق کودکان که به صورت غیرانتفاعی و غیردولتی تشکیل و اداره می‌شوند، بی‌نصیب از اشراف و تسلط دولت در برنامه‌های کاری خود نیستند (یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۲۰۸).

۱-۲-۱- چالش‌ها

مهم‌ترین چالش‌ها و خلأهای پیش روی حقوق بزهدیدگان، به‌ویژه بزهدیدگان غیرمستقیم در نظام حقوقی ایران به شرح زیر است:

۱- اولین و مهم‌ترین چالشی که در نظام حقوقی ایران وجود دارد، وجود تشتت و پراکندگی در قوانین مربوطه است. برای قانون‌گذاری، مجموعه‌ای از اصول و موازین در طی سال‌ها تجربه حکمرانی صورت‌بندی شده است. این اصول از منظرهای مختلف قابل دسته‌بندی است که یکی از مشهورترین آن‌ها، دسته‌بندی والدرون از اصول مذکور تحت

کمبود منابع مالی و عدم اختصاص بودجه مشخص به طور سالانه، موانع بسیاری را بر سر راه برخورداری بزه‌دیدگان از سازوکارهای حمایتی دولتی ایجاد کرده است» (مالمیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۴-۱۵۷).

۱-۲-۲- خلاصه‌ها

مهم‌ترین خلأهای پیش روی حقوق بزه‌دیدگان، به‌ویژه بزه‌دیدگان غیرمستقیم در نظام حقوقی ایران به شرح زیر است:

۱- مهم‌ترین خلأیی که در نظام حقوقی ایران راجع به بزه‌دیدگان غیرمستقیم به‌چشم می‌آید، عدم توجه قانون‌گذار در به رسمیت‌شناختن این دسته از بزه‌دیدگان است، به‌طوری‌که هیچ ماده یا قانونی که نشان دهد در نظام حقوقی ایران، از بزه‌دیدگان غیرمستقیم حمایت می‌شود، وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم در نظام حقوقی ایران هنوز وارد نشده و به رسمیت شناخته نشده و قوانین موجود هم توجهی به این موضوع ندارند. از مهم‌ترین خلأهای نظام حقوقی ایران، نبودن نص صریح و واضح در به رسمیت‌شناختن این دسته از بزه‌دیدگان است که شاید به نوعی بتوان این خلأ را ناشی از نوبابودن این موضوع در نظام حقوقی ایران دانست. این در حالی است که در نظام حقوقی کشوری همانند انگلستان، این موضوع سابقه‌ای چنددهه‌ای دارد و از سده گذشته تاکنون، قانون‌گذاران انگلستان به این موضوع اندیشیده‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که قانون‌گذار ایران در زمینه حمایت حقوقی از بزه‌دیده مستقیم و غیرمستقیم کم تجربه است و نیازمند به اندوختن تجربه‌ای مفید در این رابطه می‌باشد.

۲- «از دیگر خلأهای مشهود در باب حقوق بزه‌دیدگان اعم از مستقیم و غیرمستقیم، در حقوق کیفری ایران این است که بزه‌دیده نقش چندانی در مرحله صدور حکم ندارد، لذا علی‌رغم ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری که این حق به شاکی داده شده تا هنگام تحقیقات با معرفی گواهان دلایل خود را نیز اظهار کند. همچنین در ماده ۱۹۲ تنها حق استماع دعوی ضرر و زیان مالی بزه‌دیده را به رسمیت شناخته است، ولی در آیین دادرسی کیفری جهت اصلاح این ایراد، مبنی بر حق

عناوین اصول «ماهوی»، «شکلی» و «تشریفاتی» است (والدرون، ۱۳۹۸: ۱۱۵). درواقع این اصول، سنجه‌ای برای قانون‌گذاری و طبعاً قانون «خوب» محسوب شده و ملاکی برای تمیز قانون‌گذاری و قانون «اصولی» از قانون‌گذاری و قانون «غیراصولی» شمرده می‌شوند (مالمیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۸۴-۱۵۷).

۲- چالش دومی که در نظام حقوقی ایران می‌توان بدان اشاره نمود، تورم قانون‌گذاری کیفری است. تورم قانون‌گذاری کیفری، چالشی است که در تمامی زمینه‌های حقوقی در کشور ایران وجود دارد. مسأله حمایت از حقوق بزه‌دیده نیز از این موضوع استثناء نیست، به‌نوعی که تورم کیفری و قانون‌گذاری‌های متعدد سبب شده، گاه اصل موضوع به فراموشی سپرده شود، چنان‌که در ارتباط با حقوق انگلستان بیان شد، در این کشور تمامی موارد و قوانین حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم در یک منشور گردآوری شده است، لیکن در نظام حقوقی کشور ایران، به حمایت حقوقی از بزه‌دیدگان، در چندین قانون مختلف، پرداخته شده و قانون‌گذار در هر قانونی با تصویب یک الی چند ماده به موضوع مورد نظر اشاره کرده است، به‌نوعی که اگر محققى بخواهد در ارتباط با این موضوع، پژوهشی انجام دهد، می‌بایست قوانین مختلف که بعضاً قوانین مشابه یا متضاد را به تصویب رسانده‌اند، مورد مطالعه قرار دهد، چنان‌که بیان شده، تورم قانون‌گذاری کیفری به میزانی است که گاه اصل موضوع به فراموشی سپرده می‌شود و حواشی و تشریفات، بیشتر مورد توجه قانون‌گذار قرار می‌گیرد (پرویزی و داورنیا، ۱۳۹۹: ۱۸۵-۱۵۹).

۳- «چالش دیگر در نظام حقوقی ایران در باب پرداخت خسارت و جبران از طریق دولت نسبت به بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم این است که اطلاعات دقیقی از افراد مشمول جبران خسارت دولتی وجود ندارد، با این حال بررسی‌های انجام‌شده حاکی از آن است جبران خسارت از طریق پرداخت دیه از بیت‌المال در موارد محدود پیش‌بینی شده بسیار دیرهنگام و به‌طور ناقص انجام می‌شود که علاوه بر این، بروکراسی حاکم بر فرایند جبران دولتی خسارات از یک‌سو و

۳- در زمان تصویب چنین قانونی ضروری است که در معیت قانون‌گذار، کارشناسان حقوقی و صاحب‌نظران علوم روان‌شناسی و علوم اجتماعی حضور داشته باشند تا قانون‌گذار برای تصویب قانون بتواند به‌نحو مؤثر از نظرات کارشناسان و دکتربین حقوقی بهره‌مند گردد.

۴- راهکار دیگری که می‌توان در این زمینه ارائه داد، الگوبرداری صحیح و مناسب از نظام‌های حقوقی کشورهای است که در این زمینه تجربه بیشتری داشته و موفقیت‌هایی حاصل کرده‌اند. این الگوبرداری می‌تواند با ترجمه درست و اصولی قوانین دیگر کشورها و مطابقت‌دادن آن‌ها با فرهنگ عمومی مردم ایران و اصول فقه و تشیع، صورت گیرد.

به‌واقع می‌توان گفت تمامی معطلاتی که در این زمینه در نظام حقوقی ایران وجود دارد، ناشی از قانون‌گذاری نادرست است و چنان‌چه معطل قانون‌گذاری نادرست مرتفع شده و قانون به‌شکل صحیحی وضع و اجرا گردد، معطلات موجود در این زمینه برطرف خواهد شد.

۵- سعی گردد حمایت جامعه محلی و نهادهای مدنی و مردمی که با توجه به بافت بیولوژیک و مذهبی جامعه ایران و نیز حضور گسترده و وسیع مردم در اکثر فعالیت‌ها و صحنه‌های انسان دوستانه امکان‌پذیر است را جلب نمود، به‌طوری‌که بتوان ظرفیت‌ها و امکانات متعددی را در جهت حمایت از بزهدیدگان به‌وجود آورد و احسان و نیکوکاری در حق درماندگان و مستمندان که از سفارشات و تأکید قرآن و پیامبر اسلام و ائمه (ع) اظهار می‌باشد و امر غریب و مهجورمانده بین مردم این کشور نیست را رواج داد، چراکه حضور چشم‌گیر و فعال مردم در مناسبت‌هایی از قبیل جشن نیکوکاری به‌منظور جمع‌آوری اعانه برای دانش‌آموزان نیازمند، پرداخت صدقه و زکات برای امور خیریه، اهدای خون برای بیماران نیازمند، وقف یا اهدای زمین و یا کمک نقدی برای ساخت مدارس و مساجد از نمونه‌های بارز مشارکت آحاد مردم ایران در کمک و مساعدت به هم‌نوعان خود می‌باشد، لذا برنامه‌ریزی جهت مدیریت بهینه و به‌کارگیری کارآمدی این منابع عظیم مردم می‌تواند در راستای حمایت از بزهدیدگان نیز اعمال و اجرا گردد.

اظهار نظر بزهدیده درباره آثار جرم بر وی، تدبیری اندیشیده نشده است که با نگاهی به رویه قضایی ضرورت پیش‌بینی آن را آشکار می‌سازد و پیش‌بینی و الزام دادگاه‌ها به لحاظ کردن اظهارات و خواسته‌های بزهدیدگان در زمان صدور حکم بسیار ضروری است» (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۲: ۲۱۰-۱۸۱).

۱-۲-۳- راهکارها

پس از بررسی چالش‌های و خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران از باب ضعف‌های حمایتی کیفری و غیرکیفری از بزهدیدگان مستقیم و غیرمستقیم، در این قسمت به ارائه راهکار پرداخته می‌شود، البته قبل از ارائه راهکارها باید به این مسأله توجه نمود که راهکارهای ارائه‌شده، حاصل جستجو و تحلیل نگارندگان است.

۱- نخستین راهکاری که در این رابطه باید بدان توجه نمود، لزوم قانون‌گذاری صحیح و اصولی است. تشتت و پراکندگی قوانین، معطلی است که بدترین آسیب‌ها به نظام حقوقی وارد می‌کند و موجب می‌شود که عدالت در رسیدگی‌های قضایی با چالش جدی مواجه گردد. بنابراین در گام اول می‌بایست قانون‌گذاری به روش اصولی صورت گیرد و پراکندگی‌ها مرتفع گردد. برای نیل به این منظور می‌بایست تمامی قوانین مرتبط نسخ شده و یک قانون واحد به تصویب رسد. این قانون بایستی به‌نحوی باشد که به میزان حداکثر ممکن، زمینه‌های مرتبط با موضوع بزهدیدگان را پوشش دهد. در این قانون واحد، می‌توان انواع بزهدیده‌ها را دسته‌بندی نمود و همچنین انواع خدماتی که به آن‌ها ارائه می‌شود و سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات، صریحاً بیان شوند (باقری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۱).

۲- در گام دوم می‌بایست به وضوح و روشنی، بزهدیدگان مستقیم و غیرمستقیم تعریف شوند و مصادیق آن‌ها احصا گردد. خدماتی که به‌صورت ویژه به بزهدیدگان مستقیم ارائه می‌گردد، با خدماتی که به بزهدیدگان غیرمستقیم ارائه می‌گردد، می‌بایست تفکیک شده و در دسته‌بندی منظم به تصویب قانون‌گذار برسد.

۲- رویکرد حمایتی به بزهدیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی انگلستان، چالش‌ها و خلأها

در این قسمت به بررسی رویکرد حمایتی به بزهدیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی انگلستان، چالش‌ها و خلأها پرداخته می‌شود.

۲-۱- رویکرد حمایتی به بزهدیدگان غیرمستقیم در سیاست جنایی انگلستان

«ریشه حمایت از بزهدیدگان مسأله‌ای است که از آغاز نیمه دوم قرن بیستم میلادی توجه اندیشمندان را به‌طور ویژه به خود جلب نموده است، به‌طوری‌که تحت تأثیر این اندیشه، مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب سندی تحت عنوان «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزهدیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت ۱۹۴۸»^۱ بدان جنبه جهانی و نظام‌مند بخشیده است، البته فلسفه این اعلامیه که به‌عنوان منشور حقوق بزهدیدگان می‌توان از آن یاد کرد» (Rayejian, 2006: 185-207) و به‌نوعی منعکس‌کننده اراده جمعی جامعه بین‌الملل در توجه به خواست‌ها و نگرانی‌های بزهدیدگان جرم می‌باشد (یوسفی مراغه، ۱۳۹۱: ۸). عبارت است از شناسایی بزهدیدگان و رعایت احترام در رفتار منصفانه با آنان، زیرا به باور نویسندگان اعلامیه، بزهدیدگان در کنار حق جبران زیان دیدگی‌های خود باید بتواند به سازوکارهای مناسب قضایی نیز دسترسی داشته باشند و کمک‌های تخصصی کافی در زمینه کاهش درد و رنج‌های عاطفی و دیگر آثار بزهدیدگی دریافت کنند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۲۱۲)، البته در کنار این رویکرد جهانی، رویکرد منطقه‌ای هم در پرتو کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزهدیدگان جرم‌های خشونت‌بار^۲ شکل گرفته بود که این کنوانسیون را می‌توان نخستین گام برای بین‌المللی‌کردن اندیشه حمایت از بزهدیدگان در چهارچوب مفهومی به‌نام جبران دولتی یا

عمومی دانست، به‌طوری‌که این کنوانسیون که سند الزام‌آور منطقه‌ای در زمینه حمایت از بزهدیدگان است، بازتاب چشم‌گیری در سطح کشورهای اروپایی داشته و در سطح حقوق داخلی موجبات برداشتن گام‌هایی برای حمایت از بزهدیدگان گردید که نمونه آن کشور انگلستان بود که با تصویب این کنوانسیون و اجرایی‌شدن آن در سال ۱۹۸۸، مجلس قانون‌گذاری انگلستان در سال ۱۹۹۰ آن را به نظام حقوق داخلی وارد ساخت (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)، «لذا کشور انگلستان در زمینه حمایت از بزهدیدگان به‌ویژه از طریق حمایت مشارکتی و مردمی در قالب گروه‌ها و نهادهای داوطلب به‌عنوان یکی از پیشگامان تلقی می‌شود، به‌طوری‌که کشور انگلستان با پذیرش کنوانسیون اروپایی مذکور و اعلامیه معروف سازمان ملل متحد در زمینه حمایت از بزهدیدگان ۱۹۴۸، در سال ۱۹۹۰ میلادی توسط وزارت کشور اقدام به انتشار سند راهبردی به‌نام منشور بزهدیده نموده است که به‌طور کلی در نظام عدالت کیفری انگلستان موضوع حمایت از بزهدیده هماهنگ با اعلامیه معروف سازمان ملل متحد در زمینه بزهدیدگان ۱۹۴۸ به دو شکل حمایت رسمی و مشارکتی انجام می‌گیرد» (صفاری، ۱۳۹۱: ۳۱۲)، ضمن این‌که با بررسی متن منشور بزهدیدگان نظام حقوقی انگلستان، به حقوق بزهدیدگان اعم از مستقیم و غیرمستقیم، نسبت به خدماتی که از طرف ارائه‌دهندگان خدمات مختلف ارائه می‌گردد و چگونگی برخورد این ارائه‌دهندگان خدمات با بزهدیدگان پرداخته می‌شود، به‌طوری‌که همه ارائه‌دهندگان خدماتی که طبق این منشور به بزهدیدگان اطلاعات و خدمات ارائه می‌کنند، می‌بایست بزهدیده را به رسمیت شناخته و با احترام متناسب و حرفه‌ای و بدون هیچ‌گونه تبعیضی رفتار کنند، لذا اگر این ارائه‌کنندگان خدمات نتوانند موارد فوق را رعایت و یا خدمات مندرج در منشور را ارائه کنند، بزهدیده حق دارد که از آن‌ها بخواهد که این موضوع را بررسی کنند و این حق بزهدیده است که توسط ارائه‌کنندگان خدمات در مورد نحوه شکایات از آن‌ها مطلع شود، لذا در کشور انگلستان چندین دهه قبل منشوری تحت عنوان منشور بزهدیدگان به تصویب رسیده و این نشان از غنای بحث در نظام حقوقی انگلستان است. در ادامه تلاش می‌شود ابتدا ابعاد حقوقی

^۱ - قطع‌نامه شماره ۴۰/۳۴ در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید که در پیوست خود اعلامیه را دربر دارد. این قطع‌نامه و اعلامیه پیوست آن به‌گونه‌ای که مکمل یکدیگر باشند، تنظیم شده‌اند. قطع‌نامه یک دیباچه در سه پاراگراف و ۹ ماده دارد که پاره‌ای از آن‌ها دارای چند زیرمجموعه اند. اعلامیه هم دو بخش و در مجموع ۲۱ ماده (پاراگراف) دارد.

^۲ - این کنوانسیون توسط شورای اروپا در ۲۴ نوامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ تصویب شد که دارای یک دیباچه و دو بخش در ۲۰ ماده است.

۲-۱-۱-۳- حمایت‌های اجتماعی

علاوه بر حمایت‌های حقوقی، یک دسته دیگر از حمایت‌ها نیز در منشور مطرح است که در این قسمت، تحت عنوان حمایت‌های اجتماعی به آن پرداخته می‌شود. از این دسته حمایت‌ها می‌توان به مراجعه و دسترسی به خدمات محرمانه (از جمله خدمات تخصصی و توان بخشی‌های پشتیبانی) که می‌تواند براساس نیازهای متقاضی، به وی کمک کند و به خدمات دسترسی داشته باشد، اشاره کرد (Rock, 2004: 76). همچنین نمونه دیگر حمایت اجتماعی، به همراه داشتن شخصی به انتخاب متقاضی برای حمایت از وی در زمانی است که ارائه‌دهندگان خدمات را ملاقات می‌کنند، مگر این که به مصلحت متقاضی نباشد یا بر پرونده تأثیر بگذارد.

۲-۱-۱-۴- حمایت‌های مالی

اولین مورد درخواست جبران خسارت برای متقاضی یا بزهدیده یک جرم خشونت‌آمیز است، البته این نوع حمایت، محدودیت زمانی دارد و در فاصله دو سال از حادثه آسیب‌زا، باید مطرح شود، ضمن این که متقاضی می‌بایست مال خود را در صورت امکان، در اسرع وقت دریافت کند، مگر این که به عنوان مدرک مورد استفاده قرار گیرد یا برای بررسی یا رسیدگی دادگاه مورد نیاز باشد و یا بازگشت آن یک بزه تلقی گردد (Rock, 2023: 499-527).

۲-۱-۲- رویکرد حمایتی جبران خسارت‌های بزهدیدگان در حقوق انگلستان

به نظر می‌رسد نظام حقوقی جبران دولتی خسارت بزهدیدگان در انگلستان تنها نسبت به جرایم علیه اشخاص امکان‌پذیر است و دولت مسؤلیتی در برابر خسارت ناشی از جرایم علیه اموال ندارد که شاید دلیل آن را بتوان در این موضوع دانست که «در جرایم علیه اموال، بزهدیدگان می‌توانند خسارت‌هایی که محتمل شده‌اند را با استفاده از روش‌های دیگر مانند بیمه جبران کنند، ولی در جرایم علیه اشخاص این امکان کمتر وجود دارد. باتوجه به مشخص بودن مجری طرح و سازوکارهای اجرایی، مراحل مختلف جبران دولتی خسارت بزهدیدگان بدین شرح است که ابتدا باید ارائه درخواست جبران خسارت داده شود. این درخواست باید به صورت کتبی در قالب فرم

منشور بزهدیدگان انگلستان مورد بررسی قرار گیرد، سپس جایگاه بزهدیدگان به‌ویژه بزهدیدگان غیرمستقیم مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱-۲- ابعاد حقوقی منشور بزهدیدگان انگلستان

منشور بزهدیدگان دارای ابعاد مختلفی است و دایره شمول گسترده‌ای دارد، به نحوی که بررسی کردن همه این ابعاد در حوصله نوشتار حاضر نمی‌گنجد، لیکن تلاش می‌شود در مطالب پیش رو به میزان مطلوبی چهارچوب منشور مورد مطالعه قرار گیرد. در همین راستا ابتدا رویکرد حمایتی منشور بررسی می‌شود و سپس اهداف آن و در ادامه نیز به سایر ابعاد پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱-۲- رویکرد حمایتی منشور

رویکرد حمایتی منشور به این شکل اعمال می‌شود که با ذکرکردن تعدادی از عناصر اصلی حقوق بزهدیدگان در منشور، سعی بر پرداختن به امور حمایتی نسبت به حقوق بزهدیدگان دارد. در منشور تمهیداتی اندیشیده شده که برای بزهدیده این امکان را فراهم می‌کند که چنانچه نیاز به اطلاعات بیشتر داشته باشد یا از رفتاری که با او شده، رضایت ندارد، می‌تواند با چه کسی ارتباط بگیرد و نیازهای خود را از طریق شخص تعیین شده دنبال نماید. علاوه بر موارد بیان شده، «منشور بر آن است که با محاسبه احتیاجات شخصی، حمایت را در جایی که بیشترین احساس نیاز وجود دارد، انجام دهد» (Victim, 1990: 5-6).

۲-۱-۱-۲- حمایت حقوقی از بزهدیدگان

بدیهی است که بزهدیده حق دارد به رسمیت شناخته شود و به شیوه دوستانه با احترام و عدالت و همچنین به صورت حرفه‌ای و غیرتبعیض‌آمیز با وی رفتار شود. مضاف بر این ارائه‌دهندگان می‌بایست اقدامات لازم را برای کمک به متقاضی در درک دلیل اطلاق متقاضی به آن‌ها و اطمینان از درک آن‌ها نسبت به آن چه بزهدیده یا متقاضی به آن‌ها گفته می‌شود، انجام دهند (Dudfield et al, 2017: 38-58).

ژوئن ۱۹۹۰، کنوانسیون اروپا درباره جبران خسارت بزه‌دیدگان جرایم خشن را به‌صورت قانونی پذیرفت و در بهار ۱۹۹۰ با ارائه دفترچه‌ای موسوم به حقوق بزه‌دیدگان که مبهم و ناشناخته بود، سعی در حمایت از بزه‌دیدگان نمود، البته توجه به این نکته هم داشته باشیم که در بریتانیا، بخش اعظم توجه، نسبت به تأمین خدمات عملی برای بزه‌دیدگان بوده تا عنایت به عنوان کردن حقوق آن‌ها از طریق نظام عدالت کیفری یا قانونی که در این راستا طرح‌های حمایت از بزه‌دیده یا VSS^۱ با این فرض که بزه‌دیدگان، نیازهای داشتند که در نظر گرفته نشده، به سرعت رشد یافتند، ضمن این‌که نمایندگی‌های هم در حمایت از بزه‌دیده وجود داشتند که من جمله از مراکز بحران تجاوز یا RCC^۲ و خانه‌های موقتی و امن یا محل‌های اسکان^۳ می‌توان نام برد (Kenney, 2002: 265-235). در عین حال، در سال ۱۹۹۰، وزارت کشور انگلستان، دفترچه‌ای صادر کرد موسوم به منشور بزه‌دیده که مقرر می‌داشت با بزه‌دیدگان چگونه باید رفتار شود.

اولین چالش منشور توجه به این نکته است که در نسخه ۱۹۹۰ این منشور، واژه «حقوق» به کار رفته، ولی در نسخه ۱۹۹۶ منشور به «استانداردهای خدمات» اشاره شده که حکایت از آن دارد که موقعیت بزه‌دیده را نسبت به قبل، تغییر چندانی نخواهد داد، زیرا که تأکید بر ایجاد حقوق قانونی و قابل مطالبه برای بزه‌دیده نمی‌کند و صرفاً از کمک به بزه‌دیده آن هم اغلب به‌صورت صلاح‌دیدی توسط مقامات دست‌اندرکار دفاع می‌نماید؛ دومین چالش این منشور، عدم دسته‌بندی بزه‌دیدگان مستقیم در دسته‌های خاص و کوچک است، گرچه در منشور مزبور بزه‌دیدگان غیرمستقیم، دسته‌بندی شده‌اند، لیکن این دسته‌بندی در رابطه با بزه‌دیدگان مستقیم وجود ندارد. مبرهن است که وضعیت بزه‌دیدگان از منظر جسمی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و ... متفاوت است و نمی‌توان همه بزه‌دیدگان را در یک دسته واحد قرار داد (Hall, 2018: 97).

تقاضانامه جبران دولتی خسارت صورت گیرد. در مرحله دوم که رسیدگی به درخواست جبران خسارت است کارشناس ذی ربط به بررسی اولیه درخواست می‌پردازند و تعیین می‌کنند که آیا صدمه وارده یک صدمه کیفری محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا درخواست‌کننده شرایط شایستگی جبران خسارت را دارد یا خیر؟ چنان‌چه پاسخ این پرسش‌ها مثبت باشد، تقاضای جبران خسارت وارد مرحله سوم که ارزیابی میزان خسارت است، می‌گردد که این مرحله کارشناسان بررسی خواهند کرد که چه میزان خسارت وارد شده است که براساس تعرفه‌های پیش‌بینی‌شده محاسبه می‌شود» (فرجی‌ها و بازیار، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۳۳).

۲-۱-۳- چالش‌ها و خلأها

در این پژوهش رویکرد حقوقی نظام حقوقی کشور انگلستان نسبت به بزه‌دیدگان غیرمستقیم بررسی شد. در همین راستا، ابتدا منشور بزه‌دیدگان این کشور تحلیل شد، سپس قانون جبران صدمه‌های کیفری آن مورد بررسی قرار گرفت.

قبل از توجه به بزه‌دیدگان در قالب منشور و اسناد دیگر، نظام حقوقی انگلستان به علت‌های متعددی، نسبت به بزه‌دیدگان بی‌اعتنا بود که من جمله اندیشه «مجرم به‌عنوان قربانی» در این نظام بود، به‌طوری‌که تلویحاً اشاره به عدم مسؤلیت نسبی مجرمان به‌خاطر ارتکاب جرمشان دارد و گرایش به متمرکز کردن توجهات بر روی نیاز مجرمان دارد تا کمک به بزه‌دیدگان واقعی جرم، لذا این دیدگاه باعث نادیده‌گرفتن بزه‌دیدگان می‌گردید. همچنین توجه این نظام به رویکرد مارکسیستی بود که با طرح این بحث که جرم، یک بروز و نمود مخالفت سیاسی با سرمایه‌داری است، بزه‌دیده را دور از مرکز توجه و مطالعه قرار می‌داد، به‌طوری‌که مجرم مورد مطالعه واقع می‌شد تا جرم یا پیامدهای آن و مورد دیگر نادیده‌گرفتن بزه‌دیده در بریتانیا ناشی از آن بود که اکثر بودجه مربوط به تحقیقات جرم‌شناسی از طرف دولت مرکزی تأمین می‌شد که فقط نسبت به مشکل جرم، اظهار علاقه می‌کرد، نه نسبت به مشکل قابلیت آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان احتمالی، لذا توجه تحقیقات به‌جای بزه‌دیدگان بر روی مجرمین متمرکز بود. با این حال، این نظام در تاریخ یکم

1- Victim Support Schemes

2- Rape Crisis Centers

3- Shelter Homes or Refuges

مشخص دارند. به‌عنوان مثال یک قربانی جرایم جسمی، نیاز دارد که خیلی سریع، حمایت‌های درمانی مورد نیاز را دریافت نماید. حال آن‌که یک قربانی جرایم جنسی نیازمند حمایت‌های روانی و اجتماعی در طول یک مدت معین است تا بتواند خود را بازیابی نماید. عدم تفکیک در زمان حمایت مورد نیاز برای قربانیان، می‌تواند در روند حمایت از بزهدیده خلل ایجاد نماید.

چنان‌که بیان شد، منشور حمایت از بزهدیدگان انگلستان، نقطه ضعف قابل توجهی ندارد و به‌جز چند موردی که به آن اشاره شد، نمی‌توان چالش‌ها و خلأهای دیگری راجع به این منشور بیان کرد. بنابراین راهکارهای ارائه‌شده نیز باتوجه به همین موارد بیان شده است.

در رابطه با چالش نخست که توجه به حقوق بزهدیده، حتی در اصلاحات انجام‌شده نگردیده و موقعیت بزهدیده را نسبت به قبل، تغییر چندانی نداده، به‌نظر می‌رسد که نیازمند یک تغییر ماهیتی داشته و در این زمینه می‌بایست منشور از دیدگاه صلاح‌دیدگی توسط مقامات دست‌اندرکار خارج گردد و به‌صورت قانونی و واقعی، بزهدیدگان را پوشش دهند، اما در مورد عدم دسته‌بندی در رابطه با بزهدیدگان، باید به این مسأله توجه نمود که این چالش فقط در ارتباط با بزهدیدگان مستقیم وجود دارد و راهکار آن هم، دسته‌بندی کردن این بزهدیدگان است، فلذا از آنجا که بزهدیدگان غیرمستقیم، دارای دسته‌بندی مناسبی هستند، نمی‌توان این چالش را درباره آن‌ها مطرح نمود.

در مورد اولین خلأ این منشور، مبنی بر عدم توجه به راه‌های غیررسمی حل اختلاف همانند میانجی‌گری، اصلاح و مطابقت با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای که مورد تصویب قانون‌گذار این کشور هم قرار گرفته، پیشنهاد می‌گردد.

در مورد فقد ابزار اجرایی برای بزهدیدگان نسبت به حقوق خود، شایسته است حقوق بزهدیدگان به‌طور کامل به رسمیت شناخته شود و علاوه بر تأمین حمایت مبتنی بر رفاه، بر حق قابل مطالبه در نظام عدالت کیفری برای بزهدیدگان هم تأکید

بزهدیدگان براساس جرمی که قربانی آن شده‌اند، شرایط متفاوتی دارند و براساس همین شرایط متفاوت، نوع حمایتی که می‌بایست از آن‌ها به‌عمل آید، متفاوت است. برخی قربانی جرایم اقتصادی شده و مالباخته‌اند. برخی دیگر قربانی جرایم جنسی شده و در معرض سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند. برخی دیگر در معرض جرایم جسمی قرار گرفته تمامیت جسمی آن‌ها آسیب دیده است. هرکدام از این بزهدیدگان می‌بایست در دسته‌های خاصی قرار گرفته و حمایت‌های خاص خود را دریافت نمایند. در منشور حمایت از بزهدیدگان انگلستان این دسته‌بندی مشاهده نمی‌شود.

و اما در مورد خلأهای منشور به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

نخستین خلأ این منشور، عدم توجه به راه‌های غیررسمی حل اختلاف همانند میانجی‌گری که ممکن است به‌عنوان راهی برای از بین بردن یا کاهش دشمنی بین مجنی‌علیه و مرتکب به‌کار برده شود و این راه، با دیدار آن‌ها برای بحث در مورد اختلافشان صورت می‌پذیرد، به‌طوری‌که توجه به راه‌های غیررسمی حل اختلاف در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای که اشاره گردید، مورد توجه بوده است، ولی عدم توجه به آن، در منشور از نقاط ضعف آن محسوب می‌گردد.

دومین و مهم‌ترین خلأ این منشور این است که گرچه منشور، نشان‌دهنده شناسایی منافع بزهدیدگان است و برای سازمان‌های مرتبط با امور بزهدیدگان، ابزاری قوی فراهم می‌کند تا بر مجلس قانون‌گذاری اثر بگذارد، ولی هیچ ابزار اجرایی در آن وجود ندارد تا جایی که هیچ حقی که قانوناً قابل مطالبه باشد، به بزهدیدگان اعطا نمی‌کند، لذا استحکام منشور، بیشتر در تأمین حمایت مبتنی بر رفاه است نه بر حقی قابل مطالبه در نظام عدالت کیفری برای بزهدیدگان.

مشکل دیگری که به‌عنوان سومین خلأ این منشور به‌شمار می‌رود، عدم توجه به زمان است. زمان در حمایت از بزهدیده نقش مؤثری ایفا می‌کند. در بسیاری از موارد بزهدیدگان نیاز به حمایت فوری دارند و چنان‌چه این حمایت از آن‌ها صورت نگیرد، آسیب‌های وارده به آن‌ها تشدید می‌شود. برخی دیگر به عکس نیاز به حمایت‌های مستمر در طول یک زمان

گردد، لذا این امر نیازمند پیش‌بینی و به‌کاربردن ابزار اجرایی در منشور است.

نتیجه‌گیری

نکته مهمی که در ارتباط با حمایت از حقوق بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد، شاخصه‌های آن است. شاخص اصلی سیاست جنایی ایران و انگلستان در قبال بزه‌دیدگان غیرمستقیم، ویژگی حمایتی بودن آن است که در مواردی مانند جبران خسارت دولتی، اطلاع و آگاهی از روند دادرسی، ارائه کمک‌های روانی، تبلور یافته است. در سطح بین‌الملل معیارهایی برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم معرفی شده‌اند. حقوق انگلستان در قیاس با نظام حقوقی ایران، انطباق بیشتری با معیارهای بین‌المللی دارد. علاوه بر عدم انطباق حقوق ایران با معیارهای بین‌المللی، چالش‌های دیگری نیز در این رابطه در حقوق ایران وجود دارد که من جمله از نبودن یک چهارچوب حقوقی مشخص و نداشتن قانون جامع و کامل برای حمایت از حقوق بزه‌دیدگان می‌توان یاد کرد.

بحث جرم و مقابله با آن، از قدمتی طولانی برخوردار است. از زمان تشکیل اولین دولت‌ها، حاکمان تلاش می‌کردند افرادی که به‌هرنحوی، مرتکب جرم می‌شوند را با مجازات‌های مختلف تنبیه نمایند. این روند از گذشته‌های بسیار دور تا چند دهه اخیر ادامه داشته است. در این چند دهه، روند برخورد با جرم با یک تغییر عمده مواجه شده است. در گذشته پدیده برخورد با جرم فقط متوجه مجرم بوده، لیکن در چند دهه اخیر تغییرات ایجادشده سبب گشته، علاوه بر مجرم، به بزه‌دیده نیز توجه می‌شود. به‌عبارت دیگر در دوران حاضر دولت‌ها تلاش می‌کنند علاوه بر این که با مجرم مقابله نموده و او را به سزای عمل خویش برسانند، به قربانی جرم نیز توجه کنند و او را مورد حمایت قرار دهند. این حمایت به دو جهت صورت می‌گیرد: نخست اعاده وضعیت قربانی به قبل از وقوع جرم از نظر مالی؛ دوم حمایت‌های معنوی از بزه‌دیده‌ای که از نظر معنوی آسیب دیده است. انگلستان یکی از کشورهای پیشرو در این زمینه است. این کشور توانسته با وضع قوانین و مقررات متناسب با حمایت از بزه‌دیده، در قیاس

با سایر کشور موقعیت برتری پیدا کند. حمایت از بزه‌دیده، شامل مصادیق متعددی می‌شود. برخورداری از حمایت و مساعدت‌های گوناگون فیزیکی، روانی، عاطفی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی نهادها و سازمان‌های مختلف رسمی و غیررسمی در برابر هرگونه ناملازمات و رفتارهای ناسازگارانه اجتماعی می‌تواند حقوق بزه‌دیدگان و قربانیان اقدامات جنایی را به‌خوبی تأمین نماید. در کشور انگلستان منشوری تحت عنوان منشور حمایت از حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم وجود دارد که به‌صورت کامل ابعاد حمایت از بزه‌دیدگان را مورد بررسی قرار می‌دهد، ضمن این که حمایت از بزه‌دیدگان در نظام حقوقی انگلستان براساس قانون جبران صدمه‌های کیفی، در ابعاد مختلف جبران خسارت پیش‌بینی شده است.

در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر تلاش شده، مقرراتی در راستای حمایت از حقوق بزه‌دیده وضع و اجرا شود. این مقررات غالباً به‌صورت پراکنده بوده و گاهاً به‌صورت افتراقی همانند حمایت از زنان و اطفال بزه‌دیده است، ضمن این که حمایت‌های تقنینی در قوانین کیفی نظام حقوقی ایران با ابهاماتی همراه است که من جمله عام‌بودن تعریف بزه‌دیده در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری و یا مقیدکردن پوشش حمایتی برای جبران خسارت از طرف دولت یا نهاد بیت‌المال برای بزه‌دیدگان، مورد توجه است. از طرفی تفاوت عمده‌ای که حمایت از بزه‌دیده در حقوق ایران با حقوق انگلیس دارد، این است که در انگلستان، حمایت به‌صورت همه‌جانبه صورت می‌گیرد، یعنی یک زن یا یک طفل که قربانی یک جرم قرار می‌گیرد، به‌طور کامل تحت حمایت است، چه جرم مادی باشد، چه معنوی، لیکن در حقوق ایران، غالباً حمایت به صورت مادی و در غالب حمایت‌های مالی است، به‌ویژه در خصوص جرایم جنسی، حمایت به‌صورت کامل صورت نمی‌گیرد. این عدم حمایت به‌دلیل مسائل اجتماعی و اصطلاحاً حیثیتی است، زیرا در این‌گونه جرایم قربانی، به‌دلیل حفظ آبرو و حیثیت خود از مراجعه به مراجع قانونی خودداری نموده و بنابراین تحت حمایت نیز قرار نمی‌گیرد.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- باقری، قاسم؛ منصور، سیدمهدی و رایجیان اصلی، مهرداد (۱۴۰۲). «مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیدگان غیرمستقیم با کشور انگلستان (چالش‌ها و راهکارها)». *مجله پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس*، ۱۰(۲): ۱۶۲-۱۸۴.

- پرویزی، سیروس و داورنیا، رحیم (۱۳۹۹). «حمایت از بزه‌دیده غیرمستقیم قتل عمدی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۹(۳۳): ۱۵۹-۱۸۵.

- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. چاپ ششم، تهران: نشر دادگستر.

- زینالی، امیرحمزه و مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۲). «رویکرد تطبیقی به نقش و جایگاه بزه‌دیده در فرایند کیفری». *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱۰(۵): ۱۸۱-۲۱۰.

- شیر، عباس (۱۳۹۷). «سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزه‌دیدگان». *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۱): ۱۵۶-۱۷۰.

- صفاری، علی (۱۳۹۱). *مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

- طیب‌زاده، پونه و اسلامی، رضا (۱۳۹۸). «مفهوم و ابعاد مشارکت در فرایند عدالت ترمیمی و آثار آن در جامعه انتقالی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۱۰۷: ۱۶۱-۱۸۵.

- فرجی‌ها، محمد و بازیار، ابوالقاسم (۱۳۹۰). «جبران دولتی خسارت‌های بزه‌دیدگان در حقوق کیفری ایران و انگلستان». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، ۲(۲): ۱۳۳-۱۵۲.

- مالگیری، احمد؛ مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۹۴). «قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران». *نشریه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۷(۴۷): ۱۵۷-۱۸۴.

مسأله دیگری که در ارتباط با حقوق ایران و انگلستان باید بدان توجه نمود، وجه شباهت این دو سیستم حقوقی است. هر دو کشور در رابطه با بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم، رویکردی حمایتی دارند. این رویکرد حمایتی چنان‌که بیان شد، شامل حمایت‌های روانی، عاطفی، مشاوره‌ای، قانونی و بعضاً مادی می‌شود. سیستم حاکم تلاش می‌کند با ایجاد مراکز تحت عنوان مراکز مددکاری، بزه‌دیدگان را مورد حمایت قرار داده و خدمات مورد نیاز آنان را به سهولت در اختیارشان قرار دهد، البته باید توجه داشت که درخصوص حمایت‌های مالی، در مواردی از مجرم خواسته می‌شود که قربانی بزه را از نظر مالی جبران خسارت نماید. به‌عنوان مثال در جرایمی مانند، تجاوز به یک دوشیزه، علاوه بر حمایت معنوی و عاطفی از بزه‌دیده، مجرم وادار به پرداخت دیه ازاله بکارت نیز می‌شود.

در کل کشور انگلیس برای حمایت کامل از حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم می‌بایست تحولات جدیدی را در نظام حقوقی خود ایجاد کند و کشور ایران نیز می‌بایست ابتدا حقوق بزه‌دیدگان مستقیم را به‌صورت کامل و در یک قانون مستقل و مجزا در سیستم حقوقی خود بگنجانند و پس از آن، در همین چهارچوب حقوق بزه‌دیدگان غیرمستقیم را نیز به‌صورت حقوقی و نظام‌مند در یک قانون منسجم، مورد توجه قرار دهد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: جملگی برابر عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

- والدرون، جرمی (۱۳۹۸). *قانون‌گذاری (مفاهیم نظریه و اصول)*. ترجمه حسن و کیلیان، چاپ اول، تهران: ناشر نگاه معاصر.

- یوسفی مراغه، مهدی (۱۳۹۱). *نگرشی به بزهدیده‌شناسی حمایتی (خدمات‌رسانی به بزهدیدگان)*. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

ب. منابع انگلیسی

- Dudfield, G; Angel, C; Sherman, L & Torrence, S (2017). "The power curve of victim harm: targeting the distribution of crime harm index values across all victims and repeat victims over 1 year". *Camb. J. Evid.-Based Polic*, 1: 38-58.

- Hall, M (2018). *Victims of Crime: Construction, Governance and Policy Basingstoke*. UK: Palgrave Macmillan.

- Kenney, S (2002). "Victims of crime and labeling theory: a parallel process?". *Deviant Behav*, 23: 235-65.

- Rayejian Asli, M (2006). "Iranian Criminal Justice System in Light of International Standards.European". *Journal of crime Criminal Lawand Criminal Justice*, 2(14): 185-207.

- Rock, P (2004). *Constructing Victims' Rights: The Home Office, New Labour and Victims*. Oxford: UK Clarendon Press.

- Rock, P (2023). "The Role of Victim Advocacy in Criminal Justice Reform in England and Wales". *Annual Review of Criminology*, 6:499-527.

- Victim, C (2015). "A charter for victims of crime-department of justice". <https://www.justice-ni.gov.uk/publications/victim-charter>.